

سوره زمنه ای آکا

نگاهی به امامی در تحت آله العظمی خامنه‌ای (مد ظله)

به عموم: وائلا: در اروپا و آمریکای شمالی

به کوشش:

روح الامیر سعیدی و حسین شهسواری

نهضت ترقی‌فزاری

وابسته بر انتشارات انقلاب اسلامی

سرشناسه : سعیدی، روح الامین، ۱۳۶۲ -

عنوان و نام پدیدآور: روزنه ای به آگاهی: نگاهی به نامه‌ی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله) به عموم جوانان در اروپا و آمریکای شمالی / به کوشش: روح الامین سعیدی و حسین شهسواری. مشخصات نشر: تهران: مؤتسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، نشر نهضت نرم افزاری، ۱۳۹۶. مشخصات ظاهری: ۵۷۶ ص.

قیمت: ۳۵۰۰۰ ریال شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۱۳۵-۲-۵

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: خامنه‌ای، سیدعلی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- نامه‌ها

موضوع: نامه‌های فارسی -- قرن ۱۴

شناسه‌ی افزوده: Islamic Revolution research and Cultural Institute

رده‌بندی کنگره: ۸۱۳۹۶ ن ۷ ص / ۱۶۹۰/ DSR

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۴

شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۴۷۵۶۱۲۳

نهضت نرم‌افزاری

روزنه ای به آگاهی

نگاهی به نامه‌ی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای به عموم جوانان در اروپا و آمریکای

به کوشش
روح الامین سعیدی و حسین شهسواری

ناشر: نهضت نرم‌افزاری
(وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی)

چاپ اول - پاییز ۱۳۹۶

شمارگان ۳۰۰

ریال ۳۵۰۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۱۳۵-۲-۵

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه‌ی هلالی، شماره‌ی ۲۶

تلفن: ۶۶۹۷۷۲۶۸ - ۶۶۴۱۰۶۴۹ -- تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۲ - ۶۶۴۸۳۹۷۵

پست الکترونیکی: Info@Book-khamenei.ir. سامانه پیامکی: ۰۱۰۰۰۲۰۱۲۰. http://Book-Khamenei.ir

پیشگفتار

بهتراری نظام جمهوری اسلامی به تعبیر رسای بنیانگذار آن، حضرت امام خمینی (ره)، از نهضت‌های بزرگ الهی بر مردم این سرزمین و تمامی مستضعفین جهان بوده است. مروری بر تاریخ پرافتخار این نهضت و شکل‌گیری نظام مقدس جمهوری اسلامی به روشنی نقش و تأثیر اصل مرفقی ولایت فقیه و رهبری حکیمانه‌ی حضرت امام (ره) و پس از آن حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، را در هدایت انقلاب در کوران حوادث نوناگون روزگار نشان می‌دهد. مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی که وظیفه‌ی حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری را برعهده دارد، در انجام این وظیفه به انتشار کتابهای موضوعی به منظور نشر بیانات، دیدگاهها و رهبریهای معظم‌له در مقاطع، مناسبتها و موضوعات مختلف می‌پردازد.

صدور دو نامه از رهبر معظم انقلاب خطاب به جوانان کشورهای غربی بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های بین‌المللی و داخلی گذاشت. امید محترم حوزه و دانشگاه، برای تبیین برخی از ابعاد و ویژگیهای نامه‌ی اول مقالاتی را به نگارش درآوردند که کتاب حاضر شامل برخی از آنهاست. امید است با تبیین و ترویج بیانات معظم‌له، گفتمان انقلاب اسلامی به اقصای نقاط دنیا صادر و مقدمه‌ای برای ظهور حضرت مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه) شود. ان شاء الله.

و من الله التوفیق

فهرست مطالب

مقدمه	ق
متن نامه	۱
بخش اول: تحلیل و بررسی نامه در بستر متحول نظام جهانی	۵
درآمد	۷
تحلیلی بر مضامین و محورهای عمده نامه / دکتر همایون همتی	۱۱
جایگاه و پیامدهای نامه در نظام بین‌المللی / دکتر رضا سیمبر	۲۹
پیامی با پیامد و اساسی نظم بین‌المللی موجود / دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی	۵۷
رمزگشایی از پیش‌فرض‌های فلسفی نامه / دکتر مظفر نامی	۱۰۷
گفتمان بیداری وجدان‌های خفته، درآمدی بر... / دکتر سیداحمد رحمانی	۱۳۵
بررسی تحلیلی وجوه نامه از منظرهای مختلف / دکتر احمد رهبر	۱۵۹
پیام امام خمینی(ره) به گورباچف و تحلیل مقایسه‌ای آن... / دکتر جعفر گنجی	۱۸۵
رویکرد فطری نامه علیه اسلام‌هراسی / دکتر ارسلان قربانی شیخ‌نشین	۲۲۳
بخش دوم: جستارهایی در تبیین برخی مفاهیم محوری نامه	۲۳۹
درآمد	۲۴۱
نگاهی به وضعیت مسلمانان ساکن اروپا در... / دکتر علی فهیم‌دانش	۲۴۵
بررسی نحوه و اهداف بازنمایی کلیشه‌ای اسلام و... / دکتر عبدالله بیجرانلو	۲۷۵
پیامدهای جنگ‌های جهانی در تهدید امنیت انسانی ایرانیان / دکتر بهرام سازمند	۳۱۱
نظام سلطه و چرایی برساختن دیگری منفور... / دکتر روح‌الامین سعیدی	۳۳۹
بی‌ثبات‌سازی؛ رویکرد جدید آمریکا در غرب آسیا... / دکتر ابوذر گوهری مقدم	۳۷۱
نگاهی به کارکردهای مثبت شبکه‌های اجتماعی / دکتر حمید ضیای‌پرور	۴۰۱

- آینده‌پژوهی تعامل غرب و اسلام / دکتر حاکم قاسمی ۴۲۵
- رویکردی انتقادی به تاریخ غرب مدرن / دکتر شهریار زرشناس ۴۶۳
- آموزه‌های صلح در قرآن کریم / دکتر عباس مصلائی‌پور یزدی ۴۸۹
- بررسی تطبیقی تفکر و عملکرد گروه‌های تکفیری با... / دکتر علی اصغر خندان ۵۱۱

مقدمه

جهان در وضع کنونی در آستانه تحول و دگرگونی بنیادین است و دنیا در آستانه یک چرخ تاریخی سرنوشت‌ساز قرار دارد. این وضعیت را می‌توان آشکارا در عرصه‌های مختلف سراغ گرفت:

در عرصه سیاسی مانند تغییر هندسه و قطب‌بندی ساختار قدرت جهانی و گذار از نظم تک‌قطبی پس‌جنگ سرد به نظم یک/چندقطبی هستیم که در قالب آن نقش گذشته آمریکا از «رهبری» و «هژمونی» به «ابرقدرتی» تنزل یافته و کنشگران نوظهوری ماهیت دولتی (مانند هند، برزیل، ترکیه و ایران) و غیردولتی (مانند عربستان، حماس و انصارالله) وارد معادلات قدرت در سطوح منطقه‌ای و جهانی شدند؛ در عرصه اقتصادی، نظام سرمایه‌داری با بحران‌ها و چالش‌های عمیق روبروست و توان ترمیم نقائص خود و رفع فقر، بیکاری، رکود و نابرابری فزاینده در مقیاس جهانی را ندارد؛ در عرصه فرهنگی - اجتماعی، جوامع تحول‌آفرین غربی دستخوش انواع مصادیق جاهلیت مدرن نظیر ابتذال و بی‌بندوباری، همجنس‌گرایی، خشونت، تجاوز، نژادپرستی، قتل و غارت، تلاشی کانون خانواده، پوچ‌گرایی و بحران هویت هستند که تبعات وخیم آن در آمار بالای خودکشی و یا اقبال جوانان اروپایی و آمریکایی به افراطیگری و پیوستن خیل کثیری از آن‌ها به گروه‌های تروریستی تکفیری از جمله داعش قابل مشاهده است؛ در عرصه فکری و فلسفی نیز مکاتب الحادی انسان‌مدار

علی‌رغم تمامی شعارها و ادعاهایشان، به وضوح در تدبیر کار بشر و گره‌گشایی از مشکلات و تسکین آلام او وامانده‌اند و دیگر هیچ نسخه شفابخش و هیچ افق روشنی برای عرضه به پیروان سرگشته خود ندارند. تا جایی که فضای کنونی اندیشه غرب به‌ویژه پس از طغیان پساتجددگرایی علیه میراث تجدد، فضایی آکنده از تردید، نسبیّت، عدم قطعیت، ابهام، دلزدگی، ناامیدی، حیرانی و پریشان‌حالی است و چشم‌انداز امیدآفرینی هم برای برون‌رفت از این وضعیت بن‌بست و نازایی فکری متصور نیست. در مجرای می‌توان وضع کنونی جهان را نارضایتی عمومی بشریت - حتی در جوامع غرب - از شرایط ناعادلانه حاکم بر نظام جهانی و مطالبه مصرانه تغییر رهاپوششی دانست.

به مورات افور فرهنگ و اندیشه غربی، شاهد رشد تدریجی و قابل‌توجه تحول‌پذیری و معنویت‌گرایی و اقبال دوباره به دین و دین‌داری در سراسر جهان به‌ویژه در جوامع غربی هستیم تا جایی که توجه به نقش دین بار دیگر در سافل علم و دانشگاهی سکولار غرب رونق گرفته است و صاحب‌نظران از «بازگشت دین از تبعید» سخن می‌گویند و دهه‌های آینده را دوران «پساسکولاریسم» نام می‌نهند. در میان ادیان الهی «اسلام» به عنوان تنها دین مصون از تفسیر، به‌طوردار از مبانی متقن و عقلانی و دارای نظریه جامع و منسجم در ابعاد مختلف به‌منظور تدبیر تمامی وجوه حیات بشری، از بالاترین ظرفیت برای عرضه خود در قامت الگوی جایگزین الگوی مسلط غربی برخوردار است. این دین آسمانی زنده و پویا با بیش از یک و نیم میلیارد پیرو که آمار سرشارترین آهنگ رشد جمعیت پیروان را در سراسر جهان به خود اختصاص داده، به اذعان بسیاری از تحلیلگران غربی تنها اندیشه‌ای است که می‌تواند جایگاه چیره‌نظم، الگو و گفتمان مسلط غربی را به چالش بکشد و لذا پادگفتمان و دگر هویتی غرب محسوب می‌شود. از همین رو، احساس نگرانی شدید

حاکمان نظام سلطه از رشد روزافزون اسلام و خطری که گسترش تفکر اسلامی برای سیطره جهانی آن‌ها ایجاد می‌کند، موجب شده است تا «از دو دهه پیش به این سو - یعنی تقریباً پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی - این دین بزرگ، در جایگاه دشمنی ترسناک نشانده شود»^۱

هرچند که «تحریک احساس رعب و نفرت و بهره‌گیری از آن، متأسفانه سابقه‌ای طولانی در تاریخ سیاسی غرب دارد» و دولت‌های غربی همواره به منظور انسجام هویتی خود و یا توجیه سیاست‌های جنگ‌افروزان و فراقلمنی مشکلات داخلی‌شان اقدام به دگرسازی و دشمن‌تراشی کرده‌اند و «تحقیر، ایجاد نفرت و ترس موهوم از دیگری، زمینه مشترک تمام آن سودجویی‌های استعماری بوده است»، لکن «سیاست قدیمی هراس‌افکنی و نفرت‌پراکنی، این بار با شایسته‌تری بی‌سابقه، اسلام و مسلمانان را هدف گرفته است» و «ساختار قدرت در جهان امروز مایل است تفکر اسلامی در حاشیه و انفعال قرار گیرد». البته فهم دین دشمنی‌کینه‌توزانه غرب با اسلام چندان دشوار نیست و مرور گذرا بر آموزه‌های مرفعی اسلامی در عرصه‌های مختلف حیات بشری کالبدی تا آشکارا نشان دهد که «چه معانی و ارزش‌هایی در اسلام، مزاحم برنامه قدرت‌طلبی بزرگ است و چه منافعی در سایه تصویرسازی غلط از اسلام تأمین می‌گردد».

مع‌الأسف ظهور و رشد جریان منحرف سلفی - کنیری در قلمرو کشورهای اسلامی طی سال‌های گذشته با حمایت دول منطقه‌گر غربی، زمینه‌ی رابطه‌ی کاذبی میان مسلمانان با مفاهیمی چون تروریسم، بنیادگرایی، افراط‌گرایی، خشونت و خرابکاری را برقرار ساخت. لذا طراحی گسترده‌ای با همکاری اندیشمندان، سیاستمداران، اصحاب رسانه و سینماگران آمریکایی صورت گرفت تا در قالب پروژه اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی، بذل ترس و نفرت از مسلمانان در سراسر دنیا پراکنده شود و دولتمردان

۱. تمامی جملات قرارگرفته داخل گیومه در این مقدمه، نقل قول مستقیم از نامه رهبر معظم انقلاب اسلامی به عموم جوانان در اروپا و آمریکای شمالی، مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱ است.

غربی «ریاکارانه، تروریست‌های تحت استخدام خود را به عنوان نماینده اسلام معرفی کنند».

بازوهای قدرتمند رسانه‌ای غرب با کاربرد انواع تکنیک‌ها و حربه‌های روزآمد فریب افکار و تسخیر ذهن‌ها می‌کوشند «با چهره‌پردازی‌های موهن و سخیف، بین مخاطبان و واقعیت، سد عاطفی و احساسی ایجاد کنند و امکان دآوری بیطرفانه را از آنان سلب نموده و آنان را در مرزهای باختگی و ذهنی محصور سازند.» برخی از مهم‌ترین اقدامات هدفمند شبکه رسانه‌ای غرب در جنگ نرم تمام‌عیار با جهان اسلام عبارتند از: تصویرسازی کاذب و معرفی اسلام و مسلمین به عنوان مُروّجانِ خشونت در جهان و تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی، ایجاد رابطه دروغین این‌همانی میان تروریست‌های تکفیری نظیر داعش با نهاد اسلام و دولت اسلامی، ایجاد دام‌زدن به اختلافات قومی، نژادی و مذهبی میان مسلمانان به‌ویژه شکاف شیعه و سنی برای مشغول کردن مسلمانان به خود و تضعیف نیروی رونی‌ان‌ها و ترویج فرهنگ و سبک زندگی مادی‌گرایانه و لذت‌جویانه غربی در بستر جوامع اسلامی به‌منظور انحراف مسلمانان علی‌الخصوص جوانان از خط اصلا اسلام ناب.

اکنون باید پرسید رسالت دنیای اسلام در بحران احساس و سرنوشت‌ساز کنونی - که می‌تواند نقطه عطف مهمی در تاریخ است - بات بشر باشد - در مواجهه با نظام سلطه غرب و اقدامات اسلام‌ستیزانه آن چیست؟ به نظر می‌رسد رهبران، علماء، اندیشمندان، نخبگان و رسانه‌های جوامع اسلامی پس از درک عمیق وضعیت متحول جهان امروز و باور به نقش بدیل الگوی اسلامی در برابر الگوی ناکارآمد موجود، باید با استفاده از روش‌های گوناگون، راهبرد شالوده‌شکنی و مشروعیت‌زدایی از نظام ظالمانه و ناعادلانه حاکم بر جهان و سپس طرح ایده و الگوی نظم جدید جهانی مبتنی بر عدالت را به عنوان الگوی احسن و تنها ملجأ رهایی‌بخش

بشر امروز از بحران‌های لاینحل تجدد در دستورکار قرار دهند.

نامه رهبر معظم انقلاب اسلامی - که در بهمن‌ماه ۱۳۹۳ خطاب به عموم جوانان در اروپا و آمریکای شمالی منتشر شد^۱ - را بدون شک باید مصداق بارزی از اقدام آگاهانه و هوشمندانه برای شالوده‌شکنی نظام سلطه جهانی و طرح الگوی بدیل اسلامی قلمداد کرد. این اقدام بدیع و ابتکاری از جهات بسیاری قابل توجه بوده و حاوی نکات آموزنده فراوانی است که درک عمیق آن‌ها می‌تواند در ترسیم مسیر حرکت آینده جهان اسلام به‌ویژه علما اندیشمندان، روشنفکران، مبلغین و رسانه‌های مسلمان فوق‌العاده مؤثر و راهگشا باشد.

اولاً عنصر مهمی در نامه رهبر انقلاب جایگاه والایی دارد. این نامه هنگامی نگاشته شد و منتشر یافت که فضا سازی تخریبی گسترده‌ای علیه اسلام و مسلمانان توسط دولت‌های غربی با ابزارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای در اختیارشان به همانه حوادث تروریستی فرانسه یا کشتارهای وحشیانه گروه داعش در غرب آسیا جریان بود. بی‌شک در چنین جو سنگینی، واکنش فعالانه رهبر دینی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران که تصویری کاملاً متفاوت با تصویر بازنمایی شده از اسلام در رسانه‌های غربی ارائه می‌کرد، بسیار قابل توجه بود و روایت بحرانی‌شده درباره اسلام را به چالش می‌کشید. محتوای نامه آشکارا نشان می‌داد که با اشراف کامل بر وضعیت متحول جهان در آستانه پیچ تاریخی و به قول گامایش عرصه‌ای جدید برای کنشگری فعالانه در برابر تحرکات دشمنان نگاشته شده است.

ثانیاً رهبر انقلاب اسلامی به جای مقامات سیاسی کشورهای غربی عموم جوانان ساکن در قلمرو جهان غرب را مخاطب قرار می‌داد. ایشان در متن نامه، نقش آینده‌ساز جوانان و زنده بودن حس حقیقت‌جویی در

۱. البته دومین نامه معظم‌له نیز در آذر ۱۳۹۴ در استمرار ایفای این رسالت بزرگ، حاوی مباحث و نکات مهمی است که در این اثر بدان پرداخته نشده است.

نهاد آنان و نیز عدم پابندی دولتمردان غربی به صداقت و درستی در سیاست‌ورزی را دلیل انتخاب جوانان اروپا و آمریکا به عنوان مخاطب کلام خویش دانسته‌اند.

این نامه با استفاده از بیانی ملایم، شیوا، غیررسمی، دوستانه و غیرتحکم‌آمیز، آغازگر نهضت پرشگری است و از مخاطبان خود می‌خواهد در فضایی آزاد و به دور از فشار و تعصب و بی‌آنکه اجباری برای پذیرش سخنان نویسنده و دیدگاه‌های وی داشته باشند، تنها به چند سوال اساسی بپایان‌دهند: «از شما می‌خواهم از روشنفکران خود پرسید چرا وجدان عمومی در غرب باید همیشه با تأخیری چند ده ساله و گاهی چند صد سال بیدار بماند؟ چرا بازنگری در وجدان جمعی، باید معطوف به گذشته‌های دور باشد نه مسائل روز؟ چرا در موضوع مهمی همچون شیوه برخورد با فرهنگ اندیشه اسلامی، از شکل‌گیری آگاهی عمومی جلوگیری می‌شود؟ چرا است اول من این است که درباره انگیزه‌های این سیاه‌نمایی گسترده علیه اسلام پرسش و کاوش کنید. خواسته دوم من این است که در واکنش به میل پشاورها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از این دین به دست آورید. منطق سلیم اقتضاء می‌کند که لااقل بدانید آنچه شما را از آن می‌دریزانند و می‌ترسانند، چیست و چه ماهیتی دارد. من اصرار نمی‌کنم که بر دست من یا هر تلقی دیگری از اسلام را بپذیرید بلکه می‌گویم اجازه ندهید این واقعیت بویا و اثرگذار در دنیای امروز، با اغراض و اهداف آلوده به شما شناسانه شود.»

ثالثاً انتشار نامه ابتدا در فضای مجازی و از طریق شبکه‌های اجتماعی صورت گرفت. با توجه به نفوذ عمیقی که این رسانه‌ها و ابزارهای نوین ارتباطی در عصر کنونی دارند، این اقدام بدیع نشان داد می‌توان به جای منفعل شدن در برابر هجوم عظیم دستگاه تبلیغاتی غرب، با اتخاذ موضع فعال از همان ابزارها برای تبیین حقایق و به دست گرفتن ابتکار عمل در

عرضه‌ای که ظاهراً متعلق به حریف است استفاده کرد.

رابعاً محتوای نامه علی‌رغم حجم کم آن شامل موضوعات مهم و درخور توجهی هم درباره غرب (مانند غرب‌شناسی انتقادی، سیاست دیگرسازی و دیگرهراسی ابرقدرت‌ها، نحوه شکل‌گیری وجدان و آگاهی عمومی در غرب و نقش رسانه‌ها در هدایت هدفمند افکار عمومی از طریق تصویرسازی‌های غلط) و هم درباره اسلام (مانند دعوت به کسب برداشت و تصویر صحیحی از اسلام یا دعوت به مطالعه اسلام با رجوع به منابع اصیل آن یعنی قرآن و سنت) است. این موضوعات می‌تواند روزنه تازه‌ای به مسئله نسبت اسلام و غرب از منظری متفاوت فراروی نخبگان و اندیشمندان بگشاید. در راستای رفع بسیاری از چالش‌های موجود متمرثر باشد.

نامه رهبر معظم انقلاب در حقیقت آغاز یک مسیر است. مسیر کنش ارتباطی و بیدارگر که طی آن ردمان آزادمش و ژرف‌اندیش جامعه جهانی به‌ویژه جوانان در جایگاهی برابر و در فضایی مبتنی بر منطق و استدلال و رها از القائات گفتمان نظام سلطه و مناسبات قدرت، به بحث و گفتگو و هم‌اندیشی سازنده برای نیل به سیاست برای یافتن راهکارهایی جهت رفع مشکلات جوامع بشری بپردازند. ایشان خطاب به جوانان غربی اظهار می‌دارد: «این چالش از پیش طراحی شده بین اسلام و شما جوانان، اگر چه ناگوار است اما می‌تواند پرسش‌های جدیدی را در ذهن‌تان جکاو و جستجوگر شما ایجاد کند. تلاش در جهت یافتن پاسخ این پرسش‌ها، فرصت مغتنمی را برای کشف حقیقت‌های نو پیش روی شما قرار می‌دهد. بنابراین، این فرصت را برای فهم صحیح و درک بدون پشندآوری از اسلام از دست ندهید تا شاید به یمن مسئولیت‌پذیری شما در قبال حقیقت، آیندگان این برهه از تاریخ تعامل غرب با اسلام را با آزرده‌گی کمتر و وجدانی آسوده‌تر به نگارش درآورند.»